جان سخت

در گوش باد نوشته هنینگ مانکل قصه‌ای از خیابان‌های آفریقا به عمیق‌ترین لایه‌های روح آدمی است

ادبیات پسااستعماری

بهار خسروی
گروه کتاب

هنگام عبور از چهارراه‌ها وقتی کودکان کار را می‌بینید که گل یا فال حافظ می‌فروشند، اسفند دود می‌کنند، شیشه ماشین‌ها را با دستمال تمیز می‌کنند و... ممکن است در همان مدت زمان کوتاه پشت چراغ قرمز، به سرنوشت این کودکان بی‌پناه فکر کنید، اینکه چرا کارشان به اینجا رسیده و آینده برای آنها به چه شکل خواهد بود؟ شاید هیچ کدام دید وسیعی نسبت به آینده نداشته باشند اما قطعاً گذشته عجیب و سختی را گذرانده‌اند و هرکدام داستان خودشان را برای بازگو کردن دارند. همانند «نلیو» شخصیت داستان «در گوش باد» که ۱۰ سال بیشتر ندارد اما بیش از سنش تجربه زندگی کسب کرده است، او حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد و آنها را برای خوزه آنتونیو ماریا واز، یک نانوا که از ۶ سالگی نان پخته است، تعریف می‌کند، آن هم وقتی که می‌داند روزهای آخر عمرش را می‌گذراند و از تلاش برای زنده ماندن و زندگی کردن دست می‌کشد به امید آنکه سرنوشتش توسط نجات‌دهنده‌اش به گوش بقیه برسد. داستان در یک شهر بندری بی‌نام اتفاق می‌افتد، صدای شلیک گلوله‌ای سکوت یک شب گرم آفریقایی را می‌شکند. راوی یک نانوا است که پسری ۱۰ ساله به نام نلیو را پیدا می‌کند. این پسر که مورد اصابت گلوله قرار گرفته، داستان زندگی خود و تمام مشکلاتش، از جمله زندگی در خیابان، آزار و اذیت و آسیب‌های روانی ناشی از کودک خیابانی بودن را برای او تعریف می‌کند.

«در گوش باد» نوشته هنینگ مانکل و ترجمه حمیدرضا شایسته‌مند در نشر خزان منتشر شده و در فهرست نهایی جایزه ادبیات شورای اسکاندیناوی و نامزد جایزه آگوست انجمن ناشران سوئد قرار گرفته است. سطحی نبودن داستان، قلم نویسنده که خواننده را به فکر وا می‌دارد، ترجمه خوب، صحافی و جلدسازی مناسب، همه و همه از ویژگی‌های قابل توجه این کتاب به شمار می‌آیند، هرچند که نویسنده بدون مراعات، واقعیت‌های تلخ از فقر و خشونت را پیش چشمان مخاطب به تصویر می‌کشد و در بیشتر اوقات دلسوزی خواننده را به دنبال دارد.

تلاش برای زنده ماندن

گاهی کتاب بیش از حد به جزئیات و گفته‌هایی متکی می‌شود که شاید از نگاه مخاطب بی‌فایده جلوه کند یا با خود بگوید این موضوع چه کمکی به پیشبرد داستان می‌کند و هدف نویسنده از بازگویی آن چه بوده است؟ داستان با وجود غمناکی و موضوع غم‌انگیزش گاهی از فانتزی و شخصیت‌های افسانه‌ای هم استفاده می‌کند تا شاید کمی از حجم دلخراشی آن بکاهد، همچون مارمولکی که در نگاه اول پیرزن دیده می‌شود یا آدم کوتوله زالی که مهارت‌هایی فرازمینی دارد. نلیو با اینکه کودکی ۱۰ ساله است اما برای خوزه خلق و خوی یک پیرمرد ۷۰ ساله را تداعی می‌کند، شاید پر بی‌راه نباشد اگر بگوییم این بزرگ‌بینی به خاطر جملاتی باشد که برای خوزه گفته است. جملاتی همچون «ترس مانند نوعی گرسنگی سیری‌ناپذیر است. اما اضطراب را می‌شود مهار کرد» یا جمله دیگری چون «من از فراموش شدن نمی‌ترسم. مهم این است آن چه از تو به جا می‌ماند تو را فراموش نکند.» هر کس دیگری هم باشد با شنیدن چنین جملاتی ذهنش به این نمی‌رود که گوینده‌اش فقط یک پسرک ۱۰ ساله باشد، همان‌طور که این موضوع تعجب خواننده را هم به همراه دارد. کمی زمان می‌برد تا کتاب ریتم بگیرد و برای خواننده به جذابیت لازم برسد. نویسنده با گفتن داستانی تلخ سعی دارد تراژدی جنگ داخلی و کودکان خیابانی آفریقا را به نمایش بگذارد؛ آنهایی که در سطل‌های زباله به دنبال تکه نانی یا پسمانده غذایی برای پر کردن شکم‌شان هستند و به جای بازی‌های بچگانه اقتضای سن‌شان، ماشین‌های پولدارها را تمیز می‌کنند و به اندک انعامی که می‌گیرند، دل خوش می‌کنند.

این کتاب نابودی انسانیت و بی‌توجهی به مصایب و دشواری‌های زندگی این کودکان رشد یافته در خیابان را یادآور می‌شود؛ روایتی تکان‌دهنده از واقعیت زندگی آنها. اینکه این کودکان یتیم هستند و چیزی جز لباس‌های ژنده و وصله‌پینه‌شده خود ندارند، شاید برای خواننده سخت و غیرممکن به نظر بیاید اما این حقیقت آنهاست، کسانی که با وجود سن و سال کم اما شکست‌ناپذیرند، یاد گرفتند تلاش کنند تا زنده بمانند و در این میان همبستگی در گروه‌های‌شان دیده می‌شود و مراقب همدیگر هستند.

فرجام‌هایی خارج از باور

در طول خوانش داستان سؤالاتی در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد؛ اینکه نلیو آن کودک ۵ ساله‌ای که بعد از حمله شورشی‌ها به روستای‌شان و اسارت و کشتار فراوان‌شان و کشته شدن فجیع خواهر نوزادش و اسارت مادرش به دست غارتگران، همان کسی که تلاش کرد برای زنده ماندن و از مادر و هم قبیله‌ای‌هایش جدا افتاد اما جسورانه مبارزه کرد و در خیابان‌ها رشد پیدا کرد، پس از آن رهبر گروه‌های خیابانی شد، همانی که شایعه شد قدرت و نیرویی خاص دارد و تیمی از بچه‌های خیابانی را کنترل و هدایت می‌کرد، چه می‌شود که در ۱۰ سالگی و پنج سال پس از آن تاریخ کذایی، تن به مرگ می‌دهد و پس از اصابت گلوله‌ها به بدنش، دست از زندگی و زنده ماندن می‌کشد؟ آن هم یک مرگ تدریجی با ضعیف شدن تک تک اندام‌های بدنش براثر خونریزی و عفونت زخم‌هایش؟ پس آن خلق و خوی شجاعانه و جسورانه‌اش و تلاش‌های فراوانش برای زنده ماندن چه شد و به کجا رفت؟ آن روحیه تسلیم‌ناپذیرش چرا در طول چند سال فرونشست و دیگر تلاشی برای زنده ماندن نداشت؟ اینها سؤالاتی است که در پایان داستان، ذهن مخاطب را به خود درگیر می‌کند، دقیقاً همان جایی که کتاب را زمین می‌گذارد و به سرنوشت عجیب و سخت این کودک ۱۰ ساله خیابانی فکر می‌کند، چرا ممانعت کرد از رفتن به بیمارستان با آنکه می‌دانست دوام نمی‌آورد و تنها به تعریف کردن داستانش برای نانوا راضی بود؟ در کتاب بارها اشاره می‌شود که نلیو شفابخش است و به عنوان چهره‌ای مقدس از او یاد می‌شود، به پاس همین توضیحات، مخاطب در طول داستان خیال می‌کند مرگ نلیو، آن کودک سرسخت و جسور به دلیل مهم‌تری رقم خورده باشد، اما شاید برخلاف ذهنیت خواننده پیش برود.

خوزه آنتونیو ماریا واز پس از نلیو برای همیشه تغییر می‌کند و کل زندگیش را دستخوش تغییر می‌کند. او چنان تحت‌تأثیر نلیو و خلق و خو و داستان سخت و عجیبش قرار می‌گیرد که سوگند می‌خورد کلمات جادویی نلیو و روایت غم‌انگیزش را برای همه کسانی که گوش می‌دهند و حتی آنهایی که گوش نمی‌دهند، تعریف کند. شاید برای مخاطب عجیب به نظر بیاید که فردی با شنیدن داستان زندگی کوتاه یک پسر بچه ۱۰ ساله آن هم در ۹ شب این‌گونه از زندگی عادی خود دست بکشد و کاری که از ۶ سالگی انجام می‌داده را کنار بگذارد و همچون نلیو روزگار بگذراند و در کوچه و خیابان‌ها بگردد و برای رفع گرسنگی تکه نانی پیدا کند و فقط داستان زندگی و جملات آن کودک ۱۰ ساله را روایت کند و برای همه عمر باقی‌مانده‌اش فقط یک راوی بماند.

> «در گوش باد» کتابی است که زمزمه‌های یک کودک ۱۰ ساله درد کشیده را با همه امیدها و ناامیدی‌ها و ستم‌هایی که دیده است به گوشمان می‌رساند، قصه‌ای که از خیابان‌های آفریقا به عمیق‌ترین لایه‌های روح آدمی می‌نشیند

گروه بچه‌های خیابانی

شخصیت‌های دیگری هم در داستان هستند که برای مخاطب قابل باور می‌شوند و خواننده در طول داستان حواسش به سرنوشت آنها هم می‌ماند. کاسموس، رهبر قبلی گروه برخلاف دیگران با نلیو احساس نزدیکی بیشتری دارد و نظرات او را برای هرکاری جویا می‌شود. در آن مدت، نلیو چنان روی رهبر گروه تأثیر می‌گذارد که روزی گروه را ترک کرده و به خیال خودش سفری طولانی به جهانی دیگر را آغاز می‌کند. پس از آن نلیو رهبر گروه شد. ناسمنتو که بیشترین چالش را با نلیو داشت، با اینکه سلطه جو بود اما تمام سعی خود را می‌کرد که سرسخت و جسور به نظر بیاید، او از مشت‌های محکم و لگدهایش به عنوان زبانی برای تفسیر و تشریح دنیایی که مجبور به زندگی در آن بود، استفاده می‌کرد. البته ناگفته نماند که در این داستان، ماجرای عجیب و غریب دیگری جز آن پیرزنی که مارمولک می‌شود و کوتوله زال هم وجود دارد، مانجیوکا؛ او که بزرگ‌ترین جیب شلوار را داشت و در آن پیاز و گوجه فرنگی پرورش می‌داد! گیاه با خاکی که هر روز صبح در جیب‌های خود می‌ریخت و آبی که به آن می‌داد، رشد می‌کرد. آلفردو بمبا، جوان‌ترین عضو گروه فقط یک دست دارد اما می‌تواند کاری کند کسانی که او را می‌بینند فکر کنند همه چیزش را از دست داده است. تریستزا، پسر کند ذهن گروه بود که البته با وجود کند ذهنی‌اش اما گاهی پیشنهادهای خوب و بجایی داشت و تعجب همه را به خود جلب می‌کرد. هرکدام از آنها گذشته‌ای دردناک داشتند که به واسطه آن موقعیت کنونی‌شان رقم خورده است. نلیو به داستان همه آنها گوش داده بود و پس از آن متوجه شد که یکی از آنهاست. آنها تجربه‌های یکسانی داشتند. او در داستان‌های آنها خود را پیدا کرد. نلیو می‌دانست همه‌شان در چیزهایی مشترک هستند؛ نداشتن هیچ چیز، پا گذاشتن به دنیایی برخلاف میل خود و پرت شدن به بدبختی که شورشی‌ها و هیولاها به وجود آورده بودند. آنها فقط یک مأموریت در زندگی داشتند، اینکه زنده بمانند. در نهایت «در گوش باد» کتابی است که زمزمه‌های یک کودک ۱۰ ساله درد کشیده با همه امیدها و ناامیدی‌ها و ستم‌هایی که دیده است را به گوشمان می‌رساند، قصه‌ای که از خیابان‌های آفریقا به عمیق‌ترین لایه‌های روح آدمی می‌نشیند.

در گوش باد

- نویسنده: هنینگ مانکل
- مترجم: حمیدرضا شایسته‌مند
- انتشارات: خزان
- تعداد صفحه: ۳۱۲
- قیمت: ۲۳۰۰۰۰ تومان

ایستاده علیه استعمار

هنینگ مانکل (۱۹۴۸- ۲۰۱۵)، نویسنده و نمایشنامه‌نویس سوئدی، یکی از نویسندگان مطرح داستان‌های جنایی و معمایی است که خوانندگان سراسر دنیا به خاطر رمان‌های جنایی‌اش با شخصیت اصلی «کورت والاندر» یک کارآگاه پلیس، او را می‌شناسند. والاندر قهرمان بسیاری از داستان‌های معمایی مانکل، پلیس شهری در ۵۶ کیلومتری جنوب‌شرقی مالمو واقع در منطقه جنوبی اسکونه است. این شخصیت داستانی به قدری مورد توجه قرار گرفت که تاکنون به‌دست بازیگرانی چون رولف لاسگورد، کریستر هنریکسن و کنت برانا به تصویر کشیده شده است. «هرم» مجموعه‌ای است از اولین پرونده‌های این کارآگاه پلیس که مفصل‌ترین آن، ماجرای مردی در همسایگی والاندر است که خودکشی می‌کند. اما پس از مدتی او متوجه رفت و آمدهای مشکوکی به خانه می‌شود، کم‌کم به نظرش می‌رسد که این مرد باید به قتل رسیده باشد.

مانکل در آثار خود سعی دارد نابرابری‌های اجتماعی و استعمار در سراسر جهان به خصوص در کشورهای سوئد و آفریقا را به تصویر بکشد تا بتواند در قالب یک داستان به نقد و بررسی بپردازد. دغدغه اجتماعی این نویسنده حتی در رمان‌های غیرجنایی او هم به چشم می‌خورد؛ مانکل در «کفش‌های ایتالیایی» و «در گوش باد» به این موضوعات به صورت معنادارتری پرداخته است. او از ۲۰ سالگی نوشتن را آغاز کرد و تا پایان عمر ۶۷ ساله خود، توانست بیش از ۴۰ رمان، داستان کوتاه و نمایشنامه بنویسد. این نویسنده ژانر جنایی، علاوه بر نوشتن رمان‌های متعدد به سراغ کارگردانی تئاتر نیز رفت. آثار مانکل تاکنون به بیش از ۱۳ زبان دنیا ترجمه شده و بالغ بر ۴۰ میلیون نسخه از آثارش به فروش رفته است. از کتاب‌های دیگر هنینگ مانکل می‌توان به «پنجمین زن»، «دیوار آتش»، «سفر به انتهای دنیا»، «کفش‌های ایتالیایی»، «سگی که به سوی ستاره‌ای می‌دود»، «قاتلان بدون چهره»، «اسرار درون آتش»، «من می‌میرم اما یادها می‌ماند»، «پسری که روی تختی پر از برف خوابید»، «دیدار در بعد از ظهر» و «سایه‌ها در سپیده دم می‌روند» اشاره کرد.

دو خواهر و یک روح

گاوآهن شکسته نوشته ایتاوار ویرا جونیور روایتی داستانی از کارگران مزرعه در فقیرترین ایالت برزیل است

ادبیات آمریکای لاتین

معمولاً کتاب‌هایی با موضوعات گسترده و پیچیده برای مخاطب کتابخوان دارای جذابیت بیشتری است، از آن دست کتاب‌هایی که زندگی یک خانواده، همسایه‌ها، آشنایان و نسل‌های قبل‌ترشان را بازگو می‌کند و بالا و پایین‌های زندگی را به نمایش می‌گذارد. وقتی کتاب به یک دوره خاص از تاریخ یک کشور هم بپردازد دیگر اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، چون داستان‌هایی از تاریخ کشورها و چگونگی به تمدن رسیدن آنها معمولاً برای همه و به خصوص علاقه‌مندان به تاریخ و گذشتگان جذاب خواهد بود.

رمان «گاوآهن شکسته» نوشته ایتاوار ویرا جونیور از زبان پرتغالی توسط محمدرضا امیری ترجمه و نشر خزان آن را به چاپ رسانده است. این رمان در سه بخش و توسط سه راوی روایت می‌شود. بیبیانا، دختر خانواده فضا را آماده می‌کند و مخاطب را با محیط و سبک زندگی، افراد خانواده و آشنایان، مزرعه، همسایه‌ها و... آشنا می‌کند، بلونیزیا، خواهر بیبیانا در بخش دیگر تمام تغییرات، آمدن‌ها و رفتن‌هایی را که در طول سال‌ها در داستان رخ داده است، توصیف می‌کند. در نهایت بخش پایانی غیرمعمول‌تر است چرا که توسط یک روح سرگردان روایت می‌شود و وقایع دراماتیک‌تر و جزئی‌تر بیان می‌شود، انگار که وظیفه کامل کردن و پاسخ دادن به سؤالات خوانندگان از بخش اول و دوم را به گردن دارد. این کتاب موضوعات گسترده‌ای همچون زندگی و مرگ، خشونت خانگی، شکست در ازدواج، تسخیر روح توسط بیگانگان، مراسم‌های مسیحی، برده‌داری نوین و استثمار، کار روی زمین‌های دیگران بدون مزد و حقوق، حق و ناحق شدن‌ها، مبارزه برای گرفتن و اعاده حق و... را به تصویر می‌کشد.

این کتاب روایتگر داستان زندگی دو خواهر از خانواده کارگران مزرعه در یکی از فقیرترین ایالت‌های برزیل (باهیا) است. نویسنده با مهارت هرچه تمام‌تر با داستانی جذاب و گیرا سعی دارد تصویری تلخ از دوره برده‌داری معاصر، در یکی از مزارع وسیع ناحیه شاپاد دیامانتینا در شمال شرق برزیل را پیش روی خواننده به تصویر بکشد. برخی از ویژگی‌های باهیا و توصیفات دقیقی از وضعیت آن مناطق، در این اثر به خوبی تصویر شده است؛ مثل آیین‌ها و مناسک جاره (یک عمل مذهبی با منشأ آفریقایی که منحصراً در منطقه شاپاد دیامانتینا، منطقه مرکزی ایالت باهیا در برزیل رایج است) و اعمال مذهبی آفریقایی مربوط به منطقه شاپاد دیامانتینا و که به مراتب کمتر از ادیان آفریقایی برزیلی کاندومبله و اومباندا شناخته شده است، اما در این داستان نقش بسیار پررنگی دارد.

داستان با موضوع دلخراشی شروع می‌شود، دو خواهر با کنجکاوی کودکانه خود، خنجری قدیمی و رازآلود را داخل چمدان مادربزرگ‌شان پیدا می‌کنند و مسحور آن می‌شوند، این خنجر چنان درخشندگی دارد که آنها می‌خواهند طعم آن را با زبان بچشند اما این شیطنت برای‌شان گران تمام می‌شود، یکی زبانش را از دست می‌دهد و تا آخر عمر تاوان سنگینی برای او به همراه دارد. این شیطنت کودکانه اما تلخ تا ابد زندگی این دو خواهر را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد و آنها را باهم مرتبط می‌کند، چنان که همزیستی خواهرانه میان این دو برای برقراری ارتباط و فهم یکدیگر، اهمیت بیشتری پیدا کرد و درک عمیق‌تر و دقیق‌تری از هم پیدا کردند. توانایی تشخیص احساسات و خواندن حرکات چشم‌ها و ژست‌های خواهرانه با دقت بالاتری انجام می‌شد؛ باید مثل دو نیمه مساوی می‌شدند، کسی که صدایش را قرض می‌داد باید حرکات و زبان بدن کسی را که خاموش شده بود به خوبی دنبال می‌کرد و کسی که خاموش شده بود باید توانایی انتقال مفاهیم توسط حرکات بدنش را یاد می‌گرفت؛ حتی ابراز احساسات و عبارات ظریفی که قصد گفتنش را داشت. این همزیستی سال‌ها بعد از این حادثه ادامه پیدا می‌کند تا اینکه دایی‌شان به همراه خانواده برای کار و زندگی به آن مزرعه می‌آیند و ساکن می‌شوند و پس از آن، زندگی این دو خواهر دستخوش تغییرات بسیاری می‌شود.

یک درام خانوادگی چند نسلی

«گاوآهن شکسته» را می‌توان یک درام خانوادگی چند نسلی دانست که زندگی سخت چند نسل را به تصویر در می‌آورد، انسان‌هایی که از حداقل‌ترین حقوق خود محروم هستند، کل هفته بی‌هیچ جیره و مواجبی روی زمین‌های کشاورزی که هیچ سهمی از آن ندارند به سختی کار می‌کنند و حتی حق ساختن خانه‌هایی محکم با سنگ‌های تراش خورده و تزئینی را هم ندارند و فقط می‌توانند در خانه‌هایی ساخته شده از خشت سر کنند، چرا که نامحکمی بنا به آنها یادآور شود که همه چیز موقت است و صاحب اصلی آن خانه و کاشانه نیستند و نخواهند شد. آنها نسل به نسل این‌گونه سپری کرده‌اند، حال نسل جوان به فکر تغییر این روند می‌افتند.

خواننده در طول خواندن این کتاب گاهی به فکرش می‌رسد که برخی از موضوعات اگر از داستان حذف شوند آسیبی به محتوای آن نمی‌زند. شاید این حجم از موضوعات گسترده برای کتابی در این حجم بیش از اندازه باشد یا بخش‌هایی از کتاب ممکن است، حوصله خواننده را سر ببرد. شکل‌گیری شخصیت‌ها در ذهن خواننده به خوبی صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که خواننده کنجکاو است تا سرنوشت هرکدام از آنها را بداند. البته در طول داستان اشاره می‌شود که بعد از بیبیانا و بلونیزیا، دو فرزند دیگر با نام‌های زه زه و دومینگاس هم متولد شده‌اند، در روند قصه هم از این اسامی نام برده می‌شود اما آنطور که باید درباره آنها گفته نمی‌شود و شخصیت‌پردازی مناسبی برایشان نشده است، شاید هم گستردگی موضوعات مختلف داستان دیگر جایی برای پردازش آنها باقی نگذاشته باشد.

در این داستان پیچیدگی‌ها و بالا و پایین‌های زندگی به خوبی پیش روی خواننده به تصویر کشیده می‌شود و این نشان از نگاه واقعی نویسنده به موضوعات اجتماعی دارد. همان‌طور که گفته شد کتاب با سه راوی روایت می‌شود و در هر بخش که راوی جدیدی ادامه روایت داستان را به دست می‌گیرد، زمام داستان از دست خواننده در می‌رود و زمان می‌برد که با راوی جدید ارتباط بگیرد و روند داستان پیش برود. گاهی راوی از یک داستان به داستان دیگری می‌پردازد و باز هم برمی‌گردد به همان داستان اول، از این شاخه به آن شاخه پریدن شاید برای خواننده کلافگی به دنبال داشته باشد اما این چیزی از جذابیت قصه کم نمی‌کند. این کتاب با نثری روان و ترجمه مناسب، داستان زندگی و مرگ، مبارزه، رستگاری و مقاومت و پایداری را روایت می‌کند، به گونه‌ای که مخاطب به خوبی می‌تواند با داستان و شخصیت‌هایش ارتباطی عمیق و عاطفی برقرار کند.

> «گاوآهن شکسته» روایتگر داستان زندگی دو خواهر از خانواده کارگران مزرعه در یکی از فقیرترین ایالت‌های برزیل (باهیا) است. نویسنده با مهارت هرچه تمام‌تر با داستانی جذاب و گیرا سعی دارد تصویری تلخ از دوره برده‌داری معاصر، در یکی از مزارع وسیع در شمال شرق برزیل را پیش روی خواننده به تصویر بکشد

جوایزی برای گاوآهن شکسته

«گاوآهن شکسته» ابتدا در کشور پرتغال منتشر شد و جایزه ادبی سال این کشور را نیز از آن خود کرد، پس از آن هم در برزیل به چاپ رسید. علاوه بر دریافت جایزه ادبی لیا (مربوط به کشور پرتغال) توانست در سال ۲۰۲۰ برنده جوایز مشهور ادبی جابوتی (مهم‌ترین جایزه در برزیل) و اوسئانوس (از مهم‌ترین جوایز ادبی در بین کشورهای پرتغالی زبان) شود. در سال ۲۰۲۱ عنوان پرفروش‌ترین کتاب در برزیل را از آن خود کرد و در سال ۲۰۲۲ نیز اطلاعیه‌ای از پلتفرم جهانی اچ‌بی‌او مکس منتشر شد که سریالی با اقتباس از این اثر در این شبکه نمایش خانگی و در قالب سه فصل به نمایش عمومی در خواهد آمد. قرار گرفتن در لیست نامزدی بهترین کتاب سال بوکر در سال ۲۰۲۴ دستاورد مهم بعدی این رمان بود که تحسین بسیاری از منتقدان ادبی اروپایی را نیز برانگیخت. این کتاب در مدت زمان کوتاهی پس از انتشار، همچنان با سرعت بالا در حال ترجمه به بیشتر زبان‌های دنیاست که موفقیتی دیگر برای این نویسنده جوان و شناخته شده محسوب می‌شود.

ایتاوار ویرا جونیور پیش از خلق این اثر، دو مجموعه داستان کوتاه را با نام‌های «روزها» در سال ۲۰۱۲ و «دعای جلاد» در سال ۲۰۱۷ به چاپ رسانده و برای مجموعه داستان کوتاه دوم خود، نامزد جایزه ادبی جابوتی شده است. جدیدترین اثر این نویسنده پس از گاوآهن شکسته، با عنوان «نجات آتش» در سال ۲۰۲۴ برنده جایزه ادبی جابوتی شد.

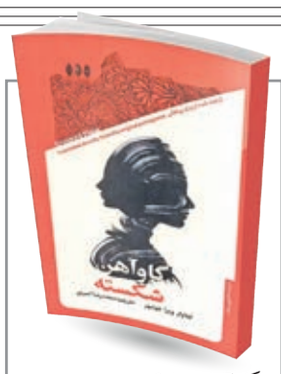

گاوآهن شکسته

- نویسنده: ایتاوار ویرا جونیور
- مترجم: محمدرضا امیری
- انتشارات: خزان
- تعداد صفحه: ۴۳۹
- قیمت: ۴۳۰۰۰۰ تومان